

متن پرسش

اعوذ بالله من الشیطان رجیم. ای مامورین و ای مذهبیان مکرر العباده چه باعث این همه خشم درونتان شده؟ بگذار گفتار آن بزرگ مرد توحیدی حضرت آیت الله عبودیت رضوان الله علیه که شاگرد سلوکی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بوده است را بازگو کنم فرمایش می‌کردند: قبل از انقلاب که طلبه ای جوان بودم شب‌های پنجشنبه می‌رفتم تخت فولاد برای عبادت و دعای کمیل، در بین راه اول شب عرق خورها کنار خیابان تجمع کرده بودند به عیش و نوش آنها را می‌دیدم و با خود می‌گفتم ای وای بر آنها؛ نزدیک های صبح که باز می‌گشتم آنهایی که از همه بیشتر مست بودند و از همه بیشتر خورده بودند کنار خیابان افتاده بودند و ما بقی رفته... پیش خودم می‌گفتم من چه کار خوبی کردم که موفق به عبادت شدم احسنت! و آن عرق خورها در 'دل' خود می‌گفتند خدایا ما چه بد بنده ای هستیم و بین آن جوان مومن را و غبطه می‌خوردند. جناب آیت الله عبودیت فرمایش می‌کردند که من می‌دانم خدا آنها را بیشتر از ما دوست داشت زیرا قلبا خود را خار درگاه حق می‌دانستند و ما خود را برتر. یارای ادامه گفتار ندارم اما وای بر مردمی که به اسم ولایت مداری ولایت را خار می‌کنند! همان ولایت فقیه که قبلا عاشق سلامت افراد جامعه است و ناراحت این رفتارهای خشمگین مامورین و مذهبیانست که از زمانه نا آگاه و از بینش ناکام و از خشم و ادعا و ریش و کثرت عبادت پُزند... همانها که اگر ناخانشان بزنی اهل دنیايند و اگر حکومت شاهنشاهی بود خدا می‌داند کدام در دین و کدام در دربار و حکومت طاغوتی رخت حکومت تن می‌کردند تا غلدر باشند. (خامش کنم تا حق کند او را سیه روی ابد)... آغوش باز هدایت های رهبری و بازگشت به عبودیت حقیقی و سلامت دینی مامورین مگر بسته است؟ والله که باز است... در رابطه با رفتارهای خشن مامورین گشت ارشاد با دخترانی که نه می‌دانند حجاب چیست و نه می‌دانند کم حجابی آنها فقط نمی‌دانند. (شب عاشورای همین امثال به چشم خود دیدم که جوانان کم حجاب و با ظاهری متفاوت پشت در تجمع کرده بودند و قلبشان عاشق حسین علیه السلام اما بخاطر تفاوت لباس رویشان نمی‌شد وارد شوند، خب بیا و بین). راه ولایت باز است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! باید هر کدامان متوجه ضعف‌های خود باشیم. یکی از راه حلها برای عبور از این ضعف‌ها توصیه‌های حضرت سجاد «علیه‌السلام» به جناب زُهری است. آن روایت این‌گونه است:

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ ع دَخَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ شَهَابِ الزُّهْرِيِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ع وَهُوَ كَثِيبٌ حَزِينٌ فَقَالَ لَهُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ مَا بَالُكَ مَهْمُومًا مَعْمُومًا قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هُمُومٌ وَ غُمُومٌ تَتَوَالَى عَلَيَّ لِمَا امْتَحَنْتُ بِهِ مِنْ جِهَةِ حُسَادِ نِعْمَتِي وَ الطَّامِعِينَ فِيَّ وَ مِمَّنْ أَرْجُوهُ وَ مِمَّنْ أَحْسَنْتُ إِلَيْهِ فَيُخَلِّفُ ظَنِّي فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ع احْفَظْ لِسَانَكَ تَمْلِكُ بِهِ إِخْوَانَكَ قَالَ الزُّهْرِيُّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَحْسَنُ إِلَيْهِمْ بِمَا يَبْدُرُ مِنْ كَلَامِي قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع هِيَ هَاتِ هَيْهَاتِ إِيَّاكَ وَ أَنْ تُعْجَبَ مِنْ نَفْسِكَ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا يَسْبِقُ إِلَى الْقُلُوبِ إِنْكَارُهُ وَ إِنْ كَانَ عِنْدَكَ اعْتِدَارُهُ فَلَيْسَ كُلُّ مَنْ تَسْمِعُهُ نُكْرًا يُمَكِّنُكَ لِأَنْ تُوسِّعَهُ عُذْرًا ثُمَّ قَالَ يَا زُهْرِيُّ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ أَكْمَلَ مَا فِيهِ كَانَ هَلَاكُهُ مِنْ أَيْسَرِمَا فِيهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُهْرِيُّ وَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَجْعَلَ الْمُسْلِمِينَ مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ بَيْتِكَ فَتَجْعَلَ كَبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ وَالِدِكَ وَ تَجْعَلَ صَغِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ وَلَدِكَ وَ تَجْعَلَ تَزْبَكَ مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَخِيكَ فَأَيُّ هَوْلَاءٍ تُحِبُّ أَنْ تَطْلِمَ وَ أَيُّ هَوْلَاءٍ تُحِبُّ أَنْ تَدْعُوَ عَلَيْهِ وَ أَيُّ هَوْلَاءٍ تُحِبُّ أَنْ تَهْتِكَ سِتْرَهُ وَ إِنْ عَرَضَ لَكَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ بِأَنَّ لَكَ فَضْلًا عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ فَانظُرْ إِنْ كَانَ أَكْبَرَ مِنْكَ فَقُلْ قَدْ سَبَقَنِي بِالْإِيمَانِ وَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَهُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ إِنْ كَانَ أَصْعَرَ مِنْكَ فَقُلْ قَدْ سَبَقَنِي بِالْمَعَاصِي وَ الذُّنُوبِ فَهُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ إِنْ كَانَ تَزْبَكَ فَقُلْ أَنَا عَلَى يَقِينٍ مِنْ ذَنْبِي وَ فِي شَكٍّ مِنْ أَمْرِهِ فَمَا لِي أَدْعُ يَقِينِي بِشَكِّي وَ إِنْ رَأَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يُعْظَمُونَكَ وَ يُوقَرُونَكَ وَ يُبَجَّلُونَكَ فَقُلْ هَذَا فَضْلٌ أَحَدُوا بِهِ وَ إِنْ رَأَيْتَ مِنْهُمْ جَفَاءً وَ انْقِبَاضًا عَنْكَ فَقُلْ هَذَا لِذَنْبٍ أَحَدْتُهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ سَهَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ عَيْشَكَ وَ كَثُرَ أَصْدِقَاؤُكَ وَ قَلَّ أَعْدَاؤُكَ وَ فَرِحْتَ بِمَا يَكُونُ مِنْ بَرِّهِمْ وَ لَمْ تَأْسَفْ عَلَى مَا يَكُونُ مِنْ جَفَائِهِمْ وَ اعْلَمْ أَنَّ أَكْرَمَ النَّاسِ عَلَى النَّاسِ مَنْ كَانَ خَيْرُهُ فَإِضًا عَلَيْهِمْ وَ كَانَ عَنْهُمْ مُسْتَعْنِيًا مُتَعَفِّفًا وَ أَكْرَمَ النَّاسِ بَعْدَهُ عَلَيْهِمْ مَنْ كَانَ عَنْهُمْ مُتَعَفِّفًا وَ إِنْ كَانَ إِلَيْهِمْ مُحْتَاجًا فَإِنَّمَا أَهْلُ الدُّنْيَا يَعْشَقُونَ الْأَمْوَالَ فَمَنْ لَمْ يُرَاحِمُهُمْ فِيمَا يَعْشَقُونَهُ كَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَ مَنْ لَمْ يُرَاحِمُهُمْ فِيهَا وَ مَكَّنَهُمْ مِنْهَا أَوْ مِنْ بَعْضِهَا كَانَ أَعَزَّ وَ أَكْرَمَ

امام باقر عليه السلام فرمود: محمد بن شهاب زهری خدمت امام سجاد علیه السلام رسید در حالی که محزون و گرفته بود، امام علیه السلام به او فرمود: چرا محزون می باشی، گفت یا ابن رسول الله حسودان بر من حسد می برند از این رو محزون هستم، آنها در مال من طمع کرده اند و نعمتهای مرا کفران می کنند و نیکیهای مرا فراموش نموده اند.

امام سجاد علیه السلام فرمودند: زبان خود را نگهدار تا همه را بطرف خود جلب کنی، زهری عرض کرد یا ابن رسول الله من به آنها احسان می کنم ولی گاهی از زبان من کلامی بدون قصد گفته می شود امام فرمود: همان متوجه باش که خودپسندی نکنی، و سخنی از زبانت بیرون نیاید که بعد نتوانی آن را انکار کنی و یا معذرت خواهی بکنی.

شما بدانید اگر سخنی از زبانت بیرون شد و کسی از شما ناراحت گردید دیگر عذرخواهی و پوزش نمی تواند دل او را آرام کند و رفع کدورت نماید، ای زهری هر کس عقلش کامل نبود نابودیش آسان خواهد بود.

ای زهری چرا نمی‌خواهی همه مسلمانان را مانند خانواده ات بدانی، باید متوجه باشی که بزرگان آنها پدرت هستند و کوچکها فرزند شما می‌باشند، و جوانها برادرت هستند، اگر این چنین بدانی به کدام شخص ظلم می‌کنی و یا به کدام يك نفرین می‌نمائی، و یا می‌خواهی پرده کدام يك از آنها را پاره سازی. اگر ابلیس لعنة الله عليه به تو تلقین کرد که تو را بر دیگران فضیلتی هست و تو بر سایر مسلمانان فضیلت داری، تو خود در اینجا توجه کن اگر شخصی از تو بزرگتر است بگو او از من چند سال بزرگ است و بیش از من عمل صالح دارد و ایمان او هم از من بهتر است و لذا او بر من فضیلت دارد.

اما اگر شخصی از شما کوچکتر است بگو او از من کمتر معصیت کرده از این رو از من بهتر خواهد بود و اگر با تو همسال است بگو من در گناهان خود و آلودگیم یقین دارم ولی نسبت به او در شك می‌باشم، پس چرا اکنون یقین خود را بگذارم و به شك عمل کنم.

اگر مشاهده می‌کنی که مسلمانان تو را تعظیم می‌کنند و به تو احترام می‌گذارند، بگو این چیزی است که آنها از من دیده اند، اگر مشاهده کردی آنها به تو ظلم می‌کنند و یا اعتنائی به شما ندارند بگو این بخاطر گناهی است که مرتکب شده ام.

ای زهری تو اگر این چنین شکر کنی و این گونه با آنها برخورد کنی خداوند زندگی شما را لذتبخش و خوشگوار می‌کند و دوستانت را زیاد می‌گرداند، و دشمنانت را کم می‌سازد، و از محبت آنها برخوردار می‌گرددی و خوشحال می‌شوی، و از جفای آنها دل‌تنگ نمی‌گرددی. بدان که گرمی‌ترین مردم آن کسی است که خیرش بر آنها جریان داشته باشد و او از مردم بی‌نیازی حاصل کند و عقیف باشد و بعد از این آن انسانی بزرگوار و شریف است که عفت بخرج دهد و دست نیاز بطرف کسی دراز نکند و به تو نیازمند باشد.

مردمان دنیا به مال و ثروت علاقه دارند و به آن عشق می‌ورزند و هر کس در امور مالی مزاحم آنها نشود به او احترام می‌کنند، این چنین شخصی که چشم به مال و ثروت دیگران ندارد و با عزت زندگی می‌کند معزز و محترم می‌باشد.

عرایضی در شرح آن روایت گرانقدر شده است که در کانال «مطالب ویژه» می‌توانید آن را دنبال

فرمایید. موفق باشید <https://eitaa.com/matalebevijeh/11328>